

قیاس استثنایی اتصالی

در این استدلال، مقدمه‌ی اول، یک قضیه‌ی شرطی متصل و مقدمه‌ی دوم، یک قضیه‌ی حملی است. این قضیه‌ی حملی یا یکی از اجزای همان قضیه‌ی شرطی متصل ذکر شده در مقدمه‌ی اول است (یعنی یا مقدم و یا تالی آن قضیه‌ی شرطی متصل است)، و یا نقیض یکی از اجزای همان قضیه‌ی شرطی متصل است. در این صورت چهار استدلال متفاوت امکان‌پذیر است که دو تا از آن‌ها معتبر و دو تا از آن‌ها مغالطه هستند. هر چهار استدلال را در زیر با مثال توضیح می‌دهیم. برای این که مقایسه‌ی آن‌ها با همدیگر آسان‌تر باشد، در هر چهار مثال از یک قضیه‌ی شرطی متصل یکسان استفاده می‌کنیم. قضیه‌ی شرطی متصل مورد استفاده‌ی ما این است:

اگر باران بیارد، آن‌گاه زمین خیس می‌شود.

که در این قضیه «باران بیارد» مقدم، و «زمین خیس می‌شود» تالی است.

<p>اگر باران بیارد، آن‌گاه زمین خیس می‌شود. زمین خیس می‌شود. (وضع تالی مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• باران می‌بارد. (وضع مقدم مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال نامعتبر است: مغالطه‌ی وضع تالی</p>	<p>اگر باران بیارد، آن‌گاه زمین خیس می‌شود. باران می‌بارد. (وضع مقدم مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• زمین خیس می‌شود. (وضع تالی مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال معتبر است: قاعده‌ی وضع مقدم</p>
<p>اگر باران بیارد، آن‌گاه زمین خیس می‌شود. زمین خیس نمی‌شود. (رفع تالی مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• باران نمی‌بارد. (رفع مقدم مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال معتبر است: قاعده‌ی رفع تالی</p>	<p>اگر باران بیارد، آن‌گاه زمین خیس می‌شود. باران نمی‌بارد. (رفع مقدم مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• زمین خیس نمی‌شود. (رفع تالی مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال نامعتبر است: مغالطه‌ی رفع مقدم</p>

توضیح: مردم در گفت‌وگوهای روزمره از دو قاعده و دو مغالطه‌ی بالا بسیار استفاده می‌کنند، به همین سبب یادگیری و به‌خاطر سپردن آن‌ها خیلی مهم است.

قیاس استثنایی انفصالی حقیقی

در این استدلال، مقدمه‌ی اول، یک قضیه‌ی شرطی منفصل حقیقی و مقدمه‌ی دوم، یک قضیه‌ی حملی است. این قضیه‌ی حملی یا یکی از اجزای همان قضیه‌ی شرطی منفصل حقیقی ذکر شده در مقدمه‌ی اول است و یا نقیض یکی از اجزای همان قضیه‌ی شرطی منفصل حقیقی است. در این صورت چهار استدلال متفاوت امکان پذیر است که هر چهار تا معتبر هستند. هر چهار استدلال را در زیر با مثال توضیح می‌دهیم. برای این که مقایسه‌ی آن‌ها با همدیگر آسان‌تر باشد، در هر چهار مثال از یک قضیه‌ی شرطی منفصل حقیقی یکسان استفاده می‌کنیم. قضیه‌ی شرطی منفصل حقیقی مورد استفاده‌ی ما این است:

عدد طبیعی n زوج است یا فرد است.

که در این قضیه، «عدد طبیعی n زوج است» را جزء اول، و «عدد طبیعی n فرد است» را جزء دوم قضیه‌ی شرطی منفصل حقیقی می‌نامیم.

<p>عدد طبیعی n زوج است یا فرد است. عدد طبیعی n زوج است. (وضع جزء دوم مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• عدد طبیعی n زوج نیست. (رفع جزء اول مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال معتبر است.</p>	<p>عدد طبیعی n زوج است یا فرد است. عدد طبیعی n زوج است. (وضع جزء اول مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• عدد طبیعی n فرد نیست. (رفع جزء دوم مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال معتبر است.</p>
<p>عدد طبیعی n زوج است یا فرد است. عدد طبیعی n فرد نیست. (رفع جزء دوم مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• عدد طبیعی n زوج است. (وضع جزء اول مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال معتبر است.</p>	<p>عدد طبیعی n زوج است یا فرد است. عدد طبیعی n زوج نیست. (رفع جزء اول مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• عدد طبیعی n فرد است. (وضع جزء دوم مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال معتبر است.</p>

مشاهده می‌شود که در این گونه از استدلال‌ها، می‌توانیم از وضع یکی از اجزای قضیه‌ی شرطی منفصل حقیقی، رفع جزء دیگر را، و از رفع یکی از اجزا، وضع جزء دیگر را نتیجه بگیریم.

قیاس استثنایی انفصالی مانعة الجمع

در این استدلال، مقدمه‌ی اول، یک قضیه‌ی شرطی منفصل مانعة الجمع و مقدمه‌ی دوم، یک قضیه‌ی حملی است. این قضیه‌ی حملی یا یکی از اجزای همان قضیه‌ی شرطی منفصل مانعة الجمع ذکر شده در مقدمه‌ی اول است و یا نقیض یکی از اجزای همان قضیه‌ی شرطی منفصل مانعة الجمع است. در این صورت چهار استدلال متفاوت امکان پذیر است که دو تا از آن‌ها معتبر و دو تا از آن‌ها نامعتبر هستند. هر چهار استدلال را در زیر با مثال توضیح می‌دهیم. برای این که مقایسه‌ی آن‌ها با همدیگر آسان‌تر باشد، در هر چهار مثال از یک قضیه‌ی شرطی منفصل مانعة الجمع یکسان استفاده می‌کنیم. قضیه‌ی شرطی منفصل مانعة الجمع مورد استفاده‌ی ما این است:

آن که از دور می‌آید، یا نوشین است یا نگین.

که در این قضیه، «آن که از دور می‌آید، نوشین است» را جزء اول، و «آن که از دور می‌آید، نگین است» را جزء دوم قضیه‌ی شرطی منفصل مانعة الجمع می‌نامیم.

<p>آن که از دور می‌آید، یا نوشین است یا نگین. آن که از دور می‌آید، نگین است. (وضع جزء دوم مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• آن که از دور می‌آید، نوشین نیست. (رفع جزء اول مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال معتبر است.</p>	<p>آن که از دور می‌آید، یا نوشین است یا نگین. آن که از دور می‌آید، نوشین است. (وضع جزء اول مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• آن که از دور می‌آید، نگین نیست. (رفع جزء دوم مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال معتبر است.</p>
<p>آن که از دور می‌آید، یا نوشین است یا نگین. آن که از دور می‌آید، نگین نیست. (رفع جزء دوم مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• آن که از دور می‌آید، نوشین است. (وضع جزء اول مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال نامعتبر است.</p>	<p>آن که از دور می‌آید، یا نوشین است یا نگین. آن که از دور می‌آید، نوشین نیست. (رفع جزء اول مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• آن که از دور می‌آید، نگین است. (وضع جزء دوم مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال نامعتبر است.</p>

مشاهده می‌شود که در این گونه از استدلال‌ها، می‌توانیم از وضع یکی از اجزای قضیه‌ی شرطی منفصل مانعة الجمع، رفع جزء دیگر را نتیجه بگیریم ولی با رفع یکی از اجزا هیچ نتیجه‌ی یقینی نمی‌توان گرفت.

قیاس استثنایی انفصالی مانعةالرفع

در این استدلال، مقدمه‌ی اول، یک قضیه‌ی شرطی منفصل مانعةالرفع و مقدمه‌ی دوم، یک قضیه‌ی حملی است. این قضیه‌ی حملی یا یکی از اجزای همان قضیه‌ی شرطی منفصل مانعةالرفع ذکر شده در مقدمه‌ی اول است و یا نقیض یکی از اجزای همان قضیه‌ی شرطی منفصل مانعةالرفع است. در این صورت چهار استدلال متفاوت امکان‌پذیر است که دو تا از آن‌ها معتبر و دو تا از آن‌ها نامعتبر هستند. هر چهار استدلال را در زیر با مثال توضیح می‌دهیم. برای این که مقایسه‌ی آن‌ها با همدیگر آسان‌تر باشد، در هر چهار مثال از یک قضیه‌ی شرطی منفصل مانعةالرفع یکسان استفاده می‌کنیم. قضیه‌ی شرطی منفصل مانعةالرفع مورد استفاده‌ی ما این است:

یا باران نمی‌بارد یا زمین خیس می‌شود.

که در این قضیه، «باران نمی‌بارد» را جزء اول، و «زمین خیس می‌شود» را جزء دوم قضیه‌ی شرطی منفصل مانعةالرفع می‌نامیم. یادآوری می‌کنیم که استدلال‌های معتبر و نامعتبر در این جا دقیقاً برعکس استدلال‌های معتبر و نامعتبر در قیاس استثنایی انفصالی مانعةالجمع هستند.

<p>یا باران نمی‌بارد یا زمین خیس می‌شود. زمین خیس می‌شود. (وضع جزء دوم مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• باران نمی‌بارد. (وضع جزء اول مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال نامعتبر است.</p>	<p>یا باران نمی‌بارد یا زمین خیس می‌شود. باران نمی‌بارد. (وضع جزء اول مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• زمین خیس می‌شود. (وضع جزء دوم مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال نامعتبر است.</p>
<p>یا باران نمی‌بارد یا زمین خیس می‌شود. زمین خیس نمی‌شود. (رفع جزء دوم مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• باران نمی‌بارد. (وضع جزء اول مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال معتبر است.</p>	<p>یا باران نمی‌بارد یا زمین خیس می‌شود. باران می‌بارد. (رفع جزء اول مقدمه‌ی شرطی)</p> <hr/> <p>•• زمین خیس می‌شود. (وضع جزء دوم مقدمه‌ی شرطی)</p> <p>استدلال معتبر است.</p>

مشاهده می‌شود که در این گونه از استدلال‌ها، می‌توانیم از رفع یکی از اجزای قضیه‌ی شرطی منفصل مانعةالرفع، وضع جزء دیگر را نتیجه بگیریم ولی با وضع یکی از اجزا هیچ نتیجه‌ی یقینی نمی‌توان گرفت.